سوژه هفته

سفر از آشپزخانه به پذیرایی

درباب تعاریفی جدید از گردشگری

در هفته‌ای که گذشت شاهد به روزترین تعریف از گردشگری بودیم که تمام تعاریف قبلی از این صنعت را رد کرد و دریچه‌هایی جدید در این علم باز کرد که تمام اهالی فن متعجب شدند و افسوس خوردند که چرا تاکنون به ذهن خودشان چنین دیدگاهی خطور نکرده بود تا بتوانند با ارائه‌ی آن، خود تحولی در گردشگری پدید آورند و نامشان را به عنوان متحول کننده این علم در تاریخ ثبت کنند.

بر اساس این تعریف، گردشگری از خانه‌ها شروع می‌شود. و آن به این معنی است که هر یک از ما می‌توانیم یک گردشگر باشیم. برطبق نظریات این متخصص برای گردشگر بودن فقط یک شرط لازم است: جابه‌جایی و ایجاد تغییر.

او بر همین اساس مثال می‌زند: کافیست اگر تا امروز نهار خود را روی میز نهارخوری و در هال میل می‌کردید کافیست فردا در جای دیگری از خانه میل کنید. یا همینکه تغییر دکوراسیونی در خانه‌ی خود بدهید کافیست تا گردشگر به حساب آید.

اهالی و شیفتگان گردشگری بعد از شنیدن این نظریه بسیار خوشحال شدند از فرصت‌های بیشماری که برای گردش هست و تاکنون از آن بی خبر بوده‌اند.

یکی از آن فرصت‌ها می‌تواند گردشگری ماجراجویانه در منزل باشد. زمانی که ظرفی در خانه می‌شکند قطعا می‌تواند نمونه‌ی بسیار خوب و پرهیجانی باشد تا از موانع خرده شیشه‌ها رد شویم و برویم جارویی بیاوریم و آن‌ها را جمع کنیم.

زمانی که اعضای خانواده‌مان بیمار می‌شوند می‌توانیم آن‌ها را به کنار گل‌های خانه ببریم و گردشگری سلامت را ایفا کنیم.

یا می‌توانیم از فریزر کلی یخ برداریم و به کف حمام بریزیم و بر روی آن لیز بخوریم و به رشد گردشگری زمستانی در کشور کمک کرده باشیم.

اگر همسرمان باردار بود می‌توانیم پزشک را به منزل بیاوریم و گردشگری زایمان داشته باشیم.

یا در قسمتی دیگر از خانه به درس خواندن مشغول شویم و گردشگری تحصیلی انجام بدیم.

به جای آنکه وقتمان را در پاساژ شهرهای مختلف هدر دهیم از سایت‌های خرید آنلاین استفاده کنیم و گردشگری خرید با زحمت کمتری داشته باشیم.

یک ویدیوپروژکتور در خانه نصب کنیم و آخر هفته‌ها برای اعضای خانواده سمینار و همایش برگزار کنیم تا گردشگری همایش تجربه کنیم.

به حیاط خانه برویم و در کنار باغچه زیراندازی پهن کنیم و ساعاتی بگذرانیم و طبیعتگردی کنیم.

حتی می‌توانیم اگر از مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌هایمان اشیایی قدیمی به دستمان رسیده، در قسمتی از خانه آن‌ها را به نمایش بگذاریم و هر چند وقت یکبار به تماشای آن‌ها برویم و از گردشگری تاریخی بهره ببریم.

همانطور که کارشناس هم گفت با این روش‌ها دیگر ارز از کشور خروج نمی‌کند و بسیاری از مشکلات کشور نه تنها حل می‌شود بلکه برای خود ما هم که این روزها سفر و گردش در خارج از کشور و حتی خارج از خانه سخت شده و پولمان نمی‌رسد می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد و روحیه تمام افراد خانواده را بهبود ببخشد.

فقط هنوز بعضی از زیر شاخه‌های گردشگری همچون هیچ‌ها یک با ابهام روبه‌روست و نیاز به بررسی‌های کارشناسانه بیشتری هست تا به امید خدا این اتفاق هم در خانه‌هایمان میسر شود و همه جوانب این نظریه تکامل یابد.



جاذبه‌های گردشگری یک روستا در ضیافت البرز

سی‌دشت، بهشتی پنهان در پناه درفک

PDF Compressor Free Version

از جشنواره توت فرنگی تا غارهای پارینه سنگی دربند رشی

هر ساله در سی‌دشت که روستایی بسیار زیبا و سرسبز در شهرستان رودبار است؛ جشنواره توتفرنگی برگزار می‌شود و گردشگران زیادی به این روستا می‌آیند تا از توت فرنگی‌های ارگانیک آن خریداری کنند. این روستا علاوه بر سرسبزی و توتفرنگیهایش، دارای جاذبه باستانشناختی بسیار مهمی است. غارهای دربندرشی در نزدیکی این روستا نخستین سکونتگاه ثبت شده بشر در ایران است که قدمت آن به ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار سال پیش می‌رسد. در یکی از روزهای زیبای بهاری به این روستا رفتم تا از نزدیک با مردمانش هم کلام شوم. از توت فرنگی‌هایش بچشم و در غارها قدمی بزنم... گزارش این گشت و گذار را بخوانید.



پگاه دهدار، راهنمای گردشگری

قبل از آنکه سفرم را شروع کنم تعریف‌های بسیاری از کسانی که قبلا به آنجا رفته بودند میشنیدم و ذهنم پر بود از خیال‌پردازی‌هایی که براساس حرف‌های دیگران از آنجا در سرم می‌پروراندم. از طبیعتش، از سرسبزی‌اش، از مزرعه‌های توت‌فرنگی‌اش و از تمدن بسیار غنی‌اش. قرار بود به سی‌دشت روستایی در دامان درفک بروم. در روستا قدم بزنم و با مردمانش هم صحبت شوم. هوای درفک را استشمام کنم... می‌دانستم تجربه منحصر به فردی خواهد بود. مثل همه تجربه‌های دیگر که البرز دامانش را پذیرا می‌شود و در طبیعتش از انسان میزبانی می‌کند و چه ضیافتی‌ست ضیافت البرز. و درفک باشکوه هم در البرز پهناور است.

بعد از شب‌های پیاپی خیال‌پردازی و دیدن عکس‌هایش دیگر لبریز شده بودم از خواستن برای سفر به آنجا و بالاخره روزی فرصت مناسبش پیش آمد و لحظه موعود فرا رسید. من حرکت خودم را از رشت به سمت شهرستان رودبار آغاز کردم. این شهر در مسیر اتوبان رشت-تهران و در ۲۶۸ کیلومتری تهران و ۶۰ کیلومتری رشت قرار دارد.

رودبار منطقه‌ای کوهستانی و درواقع مرتفع‌ترین شهرستان استان گیلان است و به دلیل شکل‌گیری این شهرستان در کوهپایه به آن رودبار کوهپایه می‌گویند. رودبار اولین کشتگاه زیتون در ایران و دارای یکی از بهترین انواع زیتون در ایران است و به همین دلیل به آن رودبار زیتون هم می‌گویند که آن را از رودبار قزوین متمایز می‌کند. رودبار چشمه‌ها و رودهای بسیاری دارد که رودخانه سفیدرود از مهمترین آنهاست. سفیدرود از بهم پیوستن دو رودخانه قزلاوزن و شاهرود تشکیل می‌شود و از وسط شهر رودبار می‌گذرد. و به همین دلیل هم هست که این شهرستان نام رودبار را به خود اختصاص داده است.

رودبار به معنای «ساحل رود یا کنار رود» است.

رودبار بزرگترین شهر تات‌نشین استان گیلان است و مردم به زبان تاتی رودباری صحبت می‌کنند. و در این شهر علاوه بر تات‌ها، لرها و گیلک ها هم‌زندگی می‌کنند.

برای هر مسافری که به رودبار می‌آید سوغاتی‌های فراوانی وجود دارد که می‌توانند خریداری کند و به شهر و دیار خود ببرند. این سوغاتی‌ها شامل انواع زیتون (شکسته، کنسروی، پرورده و...)، روغن زیتون، صابون زیتون و انواع ترشیجات می‌شود و اگر به دنبال غذای محلی‌اش بخواهیم بگردیم باید برویم سراغ شامی رودباری. شامی رودباری با عطر سبزی کوهستانی «پلنگ مشک» هر آدمی را مست می‌کند و بهانه‌ایست که بعدها بارها و بارها به خاطرش باز گردیم و پا به رودبار بگذاریم....

در مسیر رشت به رودبار به خوبی میشد تفاوت اقلیم از جلگه تا کوهستان را حس کرد. می‌دانستم باید خودم را به توتکابن شهری از همین شهرستان برسانم و در مسیر رشت به توتکابن هر چه پیش می‌رفتم هوا بازتر می‌شد و ابرها پراکنده‌تر می‌شدند، از رطوبت هوا کاسته می‌شد و درختان قدعلم ارگانیک‌اند. زنان می‌گفتند و من هم در ساعاتی که آنجا بودم دیدم که مردم زیادی از شهر و روستاهای اطراف به سی‌دشت می‌آمدند و جعبه‌های بسیاری توت می‌خریدند که مربای توت‌فرنگی بپزند.

تا چشم کار میکرد بوته‌های کوچک توت‌فرنگی بود که در پناه دل سرسبز شان یاقوت‌های قرمز توت‌فرنگی را نگه داشته بودند

و از شنیده‌هایم از اطرافیان و جستجوهایم در فضای مجازی می‌دانستم که اواخر خرداد، وقتی توت‌ها می‌رسند و برداشت می‌کنند جشنواره‌ای در این روستا برگزار می‌کنند. من زودتر از خرداد به سی‌دشت آمده بودم. می‌خواستم بهشت را در اردیبهشت ببینم. اما هرساله برای جشنواره توت‌فرنگی مردم زیادی به این روستا می‌آیند و حتی آژانس‌های خدمات مسافرتی زیادی تورهای مسافرتی به مقصد این روستا و به خصوص جشنواره توت‌فرنگی ترتیب می‌دهند. امسال این جشنواره در اواخر اردیبهشت برگزار شد و مثل هر سال گردشگران زیادی برای خرید توت‌فرنگی و دیدن برنامه‌های فرهنگی جشنواره پا به سی‌دشت گذاشته بودند. و آنقدر این جمعیت غیرقابل پیش‌بینی بود که در جشنواره امسال توت‌فرنگی‌ها کمتر از میزان تقاضا بودند و عده‌ای که برای خرید به آنجا آمده بودند موفق نشدند خرید کنند.

بعد از گشتی در روستا و خوردن توت‌فرنگی تصمیم گرفتم به سمت جایی بروم که هدف اصلی من از سفر به سی‌دشت بود. یعنی غارهای «دربند رشی»

از جاده‌های آسفالته به سمت غار یک مسیر پاکوب وجود داشت که من را به غارها می‌رساند. این مسیر چنان زیبا بود که حالا گمان می‌کنم غار شاید می‌تواند بهانه‌ای باشد. بهانه‌ای برای بودن در این مسیر.

تا چشم کار می‌کرد سرسبزی بود و صدای پرندگانی که انگار مثل من سرمست بودند از این همه طراوت و زیبایی و من حرکتم را در این پاکوب به سمت غارها ادامه می‌دادم. نمی‌دانم چقدر طول کشید تا به غارها رسیدم چراکه در تمام طول مسیر حواسم به محیط پیرامون‌ام بود و برای دیدن آنقدر ولع داشتم که سعی می‌کردم هیچ‌چیز حواس‌ام را پرت نکند و سراسر چشم باشم برای هرچه بیشتر و بهتر دیدن. اما به گمانم ۴۵ دقیقه یا یک ساعت از زمان گذشت تا به غارها رسیدم.

براساس مطالعاتی که قبل از آمدنم به سی‌دشت انجام داده بودم می‌دانستم که این غارها، غارهای معمولی‌ای نیستند و حکایت‌های بسیار قدیمی‌ای در دل خودشان پنهان دارند...

غارهای دربندرشی دو غار هستند در کنار یکدیگر در کوه درفک و در نزدیکی روستای سی‌دشت. یک غار بزرگتر و دیگری کوچکتر است. این غارها اولین بار در سال ۱۳۸۴ توسط دکتر ولی جهانی که باستان‌شناس هستند شناسایی شد و بعد از تفحص تعدادی قطعات سفال مربوط به هزاره اول قبل از میلاد و مقداری بقایای جانوری و انسانی حاصل و گردآوری شد. و این غارها در مرداد همان سال به ثبت ملی رسید.

کمی بعد در بررسی‌های مجددی که توسط دکتر جهانی بیگلری و شیدرنگ در این دو غار انجام شد بقایای سنگواره‌ای جانورانی چون خرس غار و تعدادی ابزار سنگی شامل یک ساطور، تراشه روتوش شده، سنگ مادر و ضایعات تراش سنگ گردآوری شد که همگی از دوره پارینه سنگی قدیم حکایت داشتند.

پس از آن در اردیبهشت ۱۳۹۱ تیم گمانه‌زنی‌ای به سرپرستی دکتر فریدون بیگلری از موزه ملی ایران و با معاونت دکترولی جهانی، مسئول مرکز باستان‌شناسی گیلان و مشارکت چند متخصص میان رشته‌ای تشکیل شد. هدف از این مطالعات، کسب اطلاعات ویژگی‌های فرهنگ مادی ساکنان غار، نوع پوشش گیاهی و شرایط اقلیمی منطقه و تاریخچه شکل‌گیری این غارها و رسوبات باستانی آنها بود و در نتیجه این گمانه‌زنی‌ها مجموعه‌ای غنی از بقایای باستان‌شناختی شامل سنگواره جانوران و دست ساخت‌های سنگی از ساکنان غار کشف شد. این دستاورد بسیار بزرگی بود چرا که این یافته‌ها، باستان‌شناسان را در جهت شناخت یکی از کهن‌ترین و ناشناخته‌ترین دوره‌های پیش از تاریخ کمک می‌کنند. بررسی‌های زمین‌شناسی منطقه منجر به شناسایی منابع سنگ استفاده شده در ابزارسازی و کسب اطلاعات جدیدی از تاریخچه زمین‌شناسی در دره دربندرشی شد.

طبق آخرین مطالعاتی که در این دو غار مخصوصا غار «رشی ب» صورت گرفت و تاریخ‌گذاری که با روش اورانیوم روی بقایای دندانی انجام شده و همراه با ابزار سنگی پیدا شده، مشخص شد که ۲۰۰ هزار تا ۲۵۰ هزار سال پیش مسکن شکارچیان عصر سنگ بوده است و می‌شود گفت که تنها غار شناخته شده با بقایای باستان‌شناختی دوره پارینه سنگی قدیم در کشور و در واقع قدیمی‌ترین سکونتگاه تاریخ‌گذاری شده انسان در ایران این غارها هستند که می‌توانند به خیلی از سوالات درباره فرهنگ‌های پارینه سنگی قدیم و زیست محیط طبیعی جوامع اولیه در غرب البرز و تا حدی ایران پاسخ دهند. و من در دهانه غار ایستاده بودم و به دره سرسبز مقابل غار و مسیری که طی کرده بودم تا به این غار برسم و گاهی به ارتفاع دره، چشم میدوختم. نمیدانستم به کدام فکر کنم. به منظره‌ای که مقابل چشمانم بود و با خود می‌گفتم قطعا بهشت همین شکلی است یا به انسان‌هایی که هزاران سال قبل‌تر از من در این غار بوده‌اند.

از خطه‌ای که در قسمت دهانه و بر جداره ابتدایی دیوار غار وجود دارد می‌توان فهمید که برای غار دری ساخته بودند از جنس تخته سنگی یک پارچه که سردی و سوز زمستان را بتوانند دوام آورند و از شر حیوانات درنده نیز در امان باشند.

اما حتما آنها هم لحظه‌ای می‌شده که درب غارشان را باز بگذارند و به دره روبه‌رو چشم بدوزند. هزاران سال پیش از من این دره چگونه بوده است؟

هوا رو به غروب می‌رفت. دقایقی را در غار سپری کردم و بعد از مسیر پاکوبی که به غار آمده بودم به روستا برگشتم و راه خانه را در پیش گرفتم.

دوران پارینه سنگی قدیمی‌ترین دوران ماقبل تاریخ انسان و فرهنگ مادی انسانی است و دورانی است که در آن انسان برای نخستین بار از ابزار سنگی دست‌ساز استفاده کرد. غارهای دربندرشی قدیمی‌ترین راوی این دوره تاریخی در ایران هستند